JAMIA HAMDARD
1252
21/11/02
CENTRAL LIBRARY DELHI

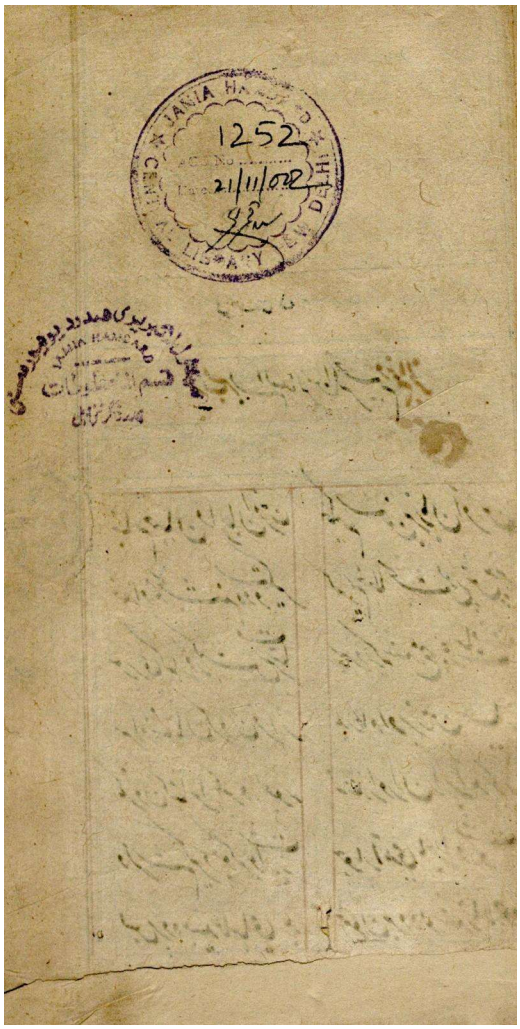
JAMIA HAMDARD
CENTRAL LIBRARY
DELHI
1252
21/11/02

۱۰۵۱۴
۲۰۵۲

بوستان سعدی

ربنا بسم الله الرحمن الرحیم ونحمد انزر

بنام جهان دار جان آفرین — حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند بخشنده و دستگیر — کریم خطا بخش روزی پذیر
عزیزی که از درک کنهش زبان — بماند چو در وصف ماند عنان
سزاوار شاهان کردن فراز — بدرگاه او بر زمین بندگی
نگردن کشان را بکیرد بقهر — نه عذر آوران را براند بکهر
و گر خشم گیرد چو گردد بزرگ — چو بازآمدی ما جرا در نوشت
پس پرده بسیند عملهای بد — همون پرده پوشند بر حال خود

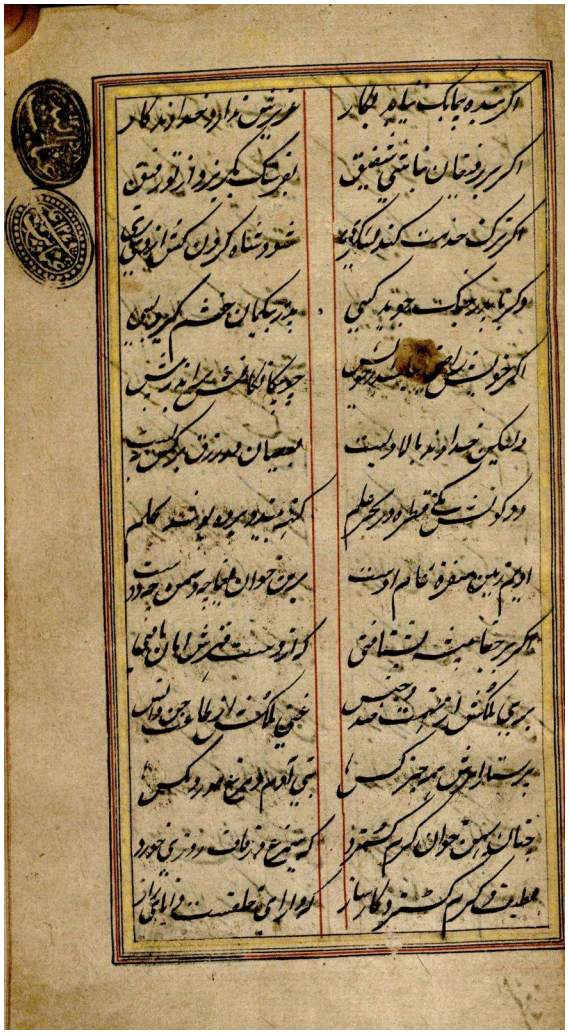

مرا در آرزوی کربلا دیدن چنین باید
که ملکش قدیم است و ازین بستان چنین باید

گلستان کند آتش بر خلیل از بهر آن گردی
که بوی پیرهن یوسف ز کنعان چنین باید

نگین را هست بر تاج و نخست افسر ز خاک اندر
ولی گرد رهش بر دیده و بر جان چنین باید

گلاه سعادت یکی بر سر ز خاک درش
کلیمی مقدمت و گرد رهش بر دامان چنین باید

گر انست بمنشور احسان او
مدد بی استحقاق فتح و ظفر ارزان چنین باید

بمنبر بر کند مدح حکیم
نماند کس در و بیان صمم بکم چنین باید

اگر در وی بدیک صلای کرم
ز اول تا بدیگ صلای بر چنین باید

بدرگاه ملوک بزرگیش بر
بزرگان شهادت بزرگی ز سر چنین باید

فرو ماند گدا را بر جمع قرب
تضرع کنان را بهر صوت مجیب چنین باید

بر احوال ما بود عالم بسر
برابر سر ما نگفته لطفش چیز چنین باید

بقدرت کهر را ما لا در سبب
خداوندا دلوا ان حاجتروای چنین باید

نه بیند ز اطاعت اکس
نه بیرحرف او جای انگشت بس چنین باید

قدیم نکوکار بنگی بیفتد
بگلبانگ فضا در رحم نفتد چنین باید